

و انتظارشان پس از تمام نطق و بیان مبارک جمعی از اهل ایران را در اوقات مبارک
 حضار فرمودند و بیانات مبارک بانها تفصیلی از حجابات امم تبیین علامت یوم ظهور بود
 که مثل یهودنصاری هم قبلای اولام و تعالیدند چنانچه هنوز منتظرند که نجوم از آسمان ساقط
 شوند با آنکه هر ستاره فی چندین بار عظیم از کره ارض است نیست که در قرآن میفرماید
 لا تهدی من هبیت و لکن الله یهدی من یشاء پس تاسیسات الهی و هدایت ربانی
 لازم است و استعداد حصول فیوضات رحمانی واجب و الا هر نفسانی غرق بحر اولام
 و ظنون است بدرجه فی که چون غرق حجاب او کنی بجای دیگر محجب میشود و عصر بیانات
 مبارک در خصوص حجابات تعالید اهل دین و ظلمات افکار ما دین بود که این دو عالم نسائی را
 تاریک نموده و کلی نفوس را مبتلای غمراض و افکار مضره کرده

روزه ۱۵ محرم (۲۴ دهمبر) اوقاتهای بیت مبارک همه مملو از نفوس بود از محبت
 طلعت پیمان در دلها شور و شوقی عجیب و نطق و خطابه مبارک که در مجمع در خصوص تخمین اطلاق
 و تربیت عمومی و اینکه انسان اول باید خود تربیت شود و بعد تربیت دیگران پردازد
 پس از مجلس بعضی از متدیها چون بشرف حضور انور شرف شدند می فرمودند و خداوند
 را می حقیقی را ظاهر نموده تا جمیع انعام را جمع نماید و آن شبان مهربان حضرت بهاء الله
 بود که انعام متفرقه را جمع نمود و اسباب تنوع را الفت داد و بجهت حفظ و حمایت
 اهل عالم خود را پسر سهام بلا یاکرد و بتلای هجوم ذناب کاسره فرمود تا انعام الهی از
 تعدی درندگان پر جفا و ظلم گرکان نفس و هوای آسوده گردند و حفظ و حیات بدی جویند

رسیدم چنان است که مانیز موفق بآن شوم که در ظل آن شبان حقیقی این غلام پشیمان
 جمع و محافظه نمایم و در چستان عنایت سیر و بیم و حفظ و حرمت کنیم تا از گرگان محفوظ
 مانند و جمیع گله های متفرقه مجتمع شده در نهایت سرور زندگانی کنند. پس از مرضی آنها
 بعضی از روزنامه نویسان مشرف شدند و از جمله مقالات مبارک که خطاب با آنها این بود که
 چون پرسیدند وجود مبارک از کجاست شریف می آورند و مقصد مبارک ازین صحبت
 فرمودند "از امریکا می آیم نه ماه در صفحات امریکا بودم بهر شهری رفتم در کنائس و مجامع
 هر مدینه ای صحبت داشتم و در کانفرنسهای عدیده مثل کانفرنس لاک فبانتک مدعو
 بودم و در دارالفنونها حاضر همه جا بدعوت برای صحبت رفتم و اساس گفتگوی من تعالیم
 حضرت بهادار الله بود که بوجب آن تعالیم کل را دعوت نمودم بصلح عمومی بین ادیان و صلح
 عمومی بین اجناس و صلح عمومی بین دول و اقالم و دلائل بر وجوب صلح اقامه نمودم و برین
 عقلیه ثابت و محقق داشتم که امر در اعظم و الزم امور صلح عمومی است و سبب سایش عالم انسانی
 و اعظم وسیله حل مشکلات زیرا این قرن قرن انوار است قرن ترقی عقول و افکار است
 قرن تربیت نفوس و ارواح است قرن ظهور اسرار کائنات است و عصر طلوع شمس حقیقت
 است عصر صلح و سلام است و محبت و ایتسایم نرا دار نیست که در چنین عصری جمیع ملل
 متفق شوند جمیع ادیان متحد گردند و اقالم تسلیم واحد شود چه عالم انسانی حکم شجره و حده
 دارد و ادیان و ملل بیثابه اعضان و افغان آن پس باید در نهایت الفت باشند از حرارت
 شمس حقیقت تربیت یابند و از باران موهبت نشو و نما نمایند تا عالم انسانی نورانی شود

در عانی گردد و نهایت اتفاق بین بشره حاصل شود و اتحاد بین ملل تحقق یابد فی الحقیقه
 مجامع صلح بسیار منعقد و نفوس خلی طالب و با نهایت اذعان این مدارا استماع
 نمودند حال بار و پا آندم اجمد شد درین شهر کانفرنس صلح تشکیل شده و این بسیار
 سبب سرد است که در این مرکز هم بین و کلامی ملل تأسیس چنین کانفرنسی شود لهذا
 امید دارم که انوار صلح عمومی بتابد و این ملت نجیبه و دولت عادلانه موفق بآن شوند که این
 اساس متین صلح عمومی که بنیان آسایش نوع انسانی است در اینجا تأسیس شود عرب
 بالکان بانهی رسد و حقوق طرفین محفوظ ماند و محافظه گردد و الا شراره اشک عالم گیر شود
 علی الخصوص اروپا که مانند جبهه خانه پراز مواد التهابیه است و منتظر یک شراره که اروپا بزند
 زبر نماید پس چاره جز صلح عمومی نماند امر در این امر عظیم امور است از خدا میخواهم که مقرر
 شود امریکا و اروپا در مدقیت مادیه نهایت ترقی نموده روز بروز در ترقیت امید است
 مدقیت الهیه نیز در این ممالک تأسیس شود معنی مدقیت که انبیای الهی تأسیس نمودند
 و تعلق بعالق اخلاق و تربیت روحانی دارد و سبب ترقیات معنویه عالم انسانیست
 انهی بد شجره از دار الفنون استنفرد (در کلیفورنیا) و ذکر خیر رئیس دار الفنون
 فرمودند شب جمعی سر میز در حضور انور بصرف شام مشغول از جمله مزاجهای مبارک
 سر میز این بود که من گرسنه نیستم اما سر میز نشینم محض خاطر لیدی بلامفیلد که صرار دار
 انسان را مجبوری کنند و پا د شاه مستبد شرق بر من تکلم و غلبه توانستند اما خانها
 امریکا و اروپا چون آزادند بر من تکلم می نمایند بعد با شخصی نکست بصحبت مشغول شدند

که "حرارت در جمیع اشیا موجود است اما قوه‌ی لازم که آن را ظاهر کند، همچنین در عالم نیست
 قوه حضرت بهاء الله است که حرارت محبت الهی قوه مستوره در قلوب را ظاهر میکند
 و دائره افکار را دست می دهد شرح صدر می بخشد در راه هدایت می نماید حال تو هم
 این حرارت را ظاهر نما و باین قوه راه ملکوت را صاف کن و نفوس را بر منزلت
 برسان این راه بهتر از خط آهن است پس نداهلکوت الهی نما مانند بجای نمودن
 ندا کن که راه را صاف کنید زیرا ملکوت خدا نزدیک شده باید چنین راهی را صاف
 نمود و نفوس را بچنین صراطی دلالت کرد
 روز عاظم (۲۵ دسمبر)

عید میلاد مسیح بود با وجود آنکه همه بعیش و عشرت مشغول بودند معذکات جنیت بعیش از هر روز
 در منزل مبارک مجتمع خانمی از همسایه ما صبح زود مشرف گردید و عرض نمود که من امروز مشرف
 شدم تا عید خود را در حضور مبارک بهائیان شش قی و غربی بگذرانم از جمله بیانات
 مبارکه با و این بود که امر بهائی شامل اصول جمیع ادیانست چونکه خداوند هم بعیش است
 (بعد از شرح بعضی از تعالیم مبارکه فرمودند) دیر روز نظر بخوابش مدبر جدید کریم کاوش
 من برای آن روز نامه چیزی نوشتم که بیبنا علیه با شیطان حضرت آدم از بهشت بیرون شد
 پس منازعه با شیطان انجام نزنه و نزاع و جدال با دشمن هم ممنوع است و سب محرمی
 از فیض رب دود انسان باید که طرف مخالف را بخود واگذارد و عرض کردند دفاع
 چگونه است فرمودند) ای مسئله دیگر است و مجازات و مکافات سب نظام عالم مثلا اگر
 کسی اینجا بیاید و بخوابد شمارا بزنند یا بکشند من نباید ساکت بنشینم البته باید دفاع کنم

(عرض کردند شیطان صیت فرمودند) نفس آماره. انسان اگر اطفال را بحال طبعی بگذارد
 اخلاق جمیع مذموم و شیطانی شود مثل انالی او اسطافریقا که جامع جمیع رذائل هستند خون
 یکدیگر را میریزند این مقتضای طبیعت است و این مفاسد همه از طبیعت است و لا ذمّه آن
 سزا زنده بقا مظهر مقدسه الهیه بحیث آن آمدند که نفوس را از ظلمات طبیعت نجات دهند
 چه که انسان بدون معلم عالم نشود از کجا دانستند که صدق خوبست از تعلیم و تربیت
 والا مقتضای طبیعت دروغ است الا آن تفاوت بین شما و انالی او اسطافریقا تربیت
 است بل انسان یک زاجر عینی مانع داخلی در وجود خود دارد ولی آن بسط تربیت
 و دیانت حاصل میشود آهسته و چون مجمع بیرونی تشریف فرما شدند نطق و خطابه مبارک
 در خصوص میلاد مسیح و ایام طلوع و ظهور مظهر رحمانیه بود که بظهورشان تجسّد افکار
 و تجرّد شئون و حوال مل و احزاب حاصل میشود و ترقی عقول و نفوس حصول میاید در
 یوم طلوع شمس عیسوی حتی در فلسفه یونان خرافات بسیار بود و ظهور آن حضرت سبب تبدیل
 افکار آنها شد از روز عصر منزل لورد لاینگتون تشریف بردند و اول شب در مجلس
 قرائت این سخن شکر نجات که جمعیت شان بپانصد میر رسید خطابهائی در خصوص مقبولیت فقر
 و فناء در درگاه کبریا مفصل ادا فرمودند و بدرجهائی مؤثر در قلوب بود که کرم جمعیت
 دست زدند و بلبله نمودند بعد از ختم خطابه مبارک که بحیث عید میلاد مسیح جنبه غایت فرمودند
 که کیش جمیع راهبانی کنند آن شب نقد جمعیت بلبله و لوله نمودند و طلعت پیمان با
 فقر اعدا و ثنا گفتند که در دیوار بلرزه درآمد بعد بطبقه بالای آن عمارت تشریف بردند

گردش می فرمودند و محل خواب و سر برقرار ملاحظه می کردند که در هر روز و شبی
 هر شخص فقیری منزلی که در آنجا منزل می گرفت فقط سه پیش که پانزده شاهی باشد که
 میداد برای خواب و خوراک و حمام و سایر لوازم منزل خیلی در نظر مبارک مقبول افتاد
 چه که اسباب رعایت و حمایت فقرا بود از آنجا بدین اطفال فقرا شریف برزند
 و چون منزل مبارک مراجعت فرمودند بسیار اظهار تأثر از حال فقرا و پریشانی آنها فرمودند
 روز ۱۷ محرم ۱۲۶۰ (دسمبر) صبح در مجمع خطابه مبارکه در خصوص تولد مسیح
 و معنی تمیید بود و پس از مجمع تا عصری نفوس علیله و اشخاص خلی محترم شرف حاصل
 می نمودند و بیانات مبارکه در مسائل عدیده بود گاهی از وحدت عالم انسانی گاهی از
 اتحاد و صلح عمومی و منع تعصب مذہبی و جنسی و وطنی و سیاسی و وقتی از قدمت ذات
 قدم و استمرار و ابدیت فیض اسم عظیم و انما لسان مطهر ناطق و قلوب سامعین منجذب
 بود از تاسخ و ارتقاء ارواح پرسیزند فرمودند وجود بقای ابدی دارد چیزی
 نشان بدید که ابدی نباشد نهایت درجات و انتقالات دارد حتی این گل ابد معدم
 میشود منتی نیست که این صورت بهم می خورد نه آنکه یکی معدم دوم شود نه وجود معدم میشود
 نه عدم محض وجود پیدا می کند عدم ظلمت است وجود نور است نور می آید ظلمت میزد
 نه آنکه ظلمت نور شود در بد شرمی در باره تاسخ فرمودند این تاسخی که مردم قائلند
 مخالف کتب الهیه است زیرا مراد از رجعت عودت صفات گذشته در خلق آئینده است
 و تشبیه کمالات خلق خسرین بکالات و صفات سابقین مثل اینکه میگوئیم این گل همان گل

سنة ماضیه است مرادمان همان زنگ و بوی گل سابق است که در این گل موجود گشته
 پس از آن از بدایت روحانی و جسمانی و تأثیرات افکار و اشغال مختلفه که بعضی سبب حصول سرور
 و برخی باعث حزن و الم میشود بیانات مفصله فرمودند و همچنین در مسنی کلمه الله و برکت
 و تساوی حقوق نساء و رجال چون لفظی مشرح فرمودند از نگاه از عالم تجرد پرسیدند بیاناتی
 در دفع اوام متصوفین و مسنی تجرد روح و صفای قلب از نم مبارک صادر که اگر تفصیل
 نوشته شود برای هر روزی تحریر کتابی لازم آید آن شب در منزل امته الله مس حک
 مجلس بهائیان بود در آن محفل نیز در تشویق دوستان روحانی و امتیازات عالم انسانی
 لفظی مفصل فرموده پس از صرف چای و شیرینی حرکت نمودند

روز ۱۸ محرم (۲۷ دسمبر) قبل از شریف فرمائی مجمع عمومی بجهت نفوس محترمه بی که
 از روز تازه مشرف شدند بیانات مبارکه چون غیث باطل از لسان اطهر نازل چون از سفر
 مبارک سوال نمودند با نهایت قدرت و همینه جواب فرمودند که «من آمده ام تا بدایت
 الهیه را ترویج نمایم بدینیکه حضرت بهاء الله در شرق تاسیس فرمود بدینتی که خدمت عالم
 اخلاق نماید بدینتی که سبب صلح عمومی است بدینتی که مروج وحدت عالم انسانی است
 در جمع دیگر چون مشرف شدند در باره تربیت اطفال شان فرمودند اطفال باید اول
 با ادب الهی تربیت شوند و ترغیب و تشویق بر تحسین خصلت کردند از نگاه بقدر
 امکان کوشش در تحصیل علوم و صنایع و فضائل آنها گردد چه اگر تربیت الهیه و اخلاق حسنه
 نباشد آنگاه علوم و صنایع تنها کفایت نماید و مانع فساد اخلاق و مضرات نفس و هوا

نشود بلکه سبب ترویج افکار باطله و وسیله تقویت اغراض شخصیه گردد مگر آنکه با تربیت
 الهی حسن اخلاق توأم باشد و پس از بیان تقدیس ذات باری تمییز تعالیم مسائل
 الهی بجهت جمعی دیگر آنوقت در مجمع عمومی نطق مفصلی در تفسیر آیه اول بخیل و مفسنی کلمه میسر نمود
 و چون حصار دست دادند و نهایت انجذاب در محضر اطهر اظهار خلوص و خضوع نمودند متوجه
 مس کرد و پربا تو بخیل حاضر و بجای گردش سواره نمود لهذا سوار شده پارک بزرگ شهر
 تشریف بردند و در وسط باغ کنار دریاچه پیاده شده قریب یک ساعت مشی میفرمودند
 و باطفالیکه بین راه بر میخوردند خیلی اظهار عنایت می کردند و بانها پول میدادند و نوازش
 می فرمودند و در اینجا شرمی از مکانات اعمال ایرانیان و بر باد نمودن شوکت و
 استقلال شان بدست خویش میسر نمودند که "هر چه بطرفین نصیحت شد و راه صواب
 نموده و بداخله بمسایه ما انداز گشت مفید بقصد لهذا یکی هست از مدخله در امور ممنوع
 شدند و از فساد در کنار گشتند بسته نفوسیکه با غراض نفسیه و ظلم با ولیای الهی مشغول
 ایچوقت توفیق نیابند و جو خسران بسین نتیجه فی حاصل نمایند یقین بدانسید که آنچه واقع
 شود سبب علاء امر الله و ترویج کلمه الله و حفظ اجداد الله است و در ان حکم الهیه
 مستور" بعد از فضای باغ و نعمت و صفای آن صحبت می فرمودند که خوب خلوت
 و آرام است و هو لطیف و چمنها سبز و خوشنما سیر در اینگونه مملها حالت روحانیت
 و فراغت قلب آرد علی الخصوص وقت تنهایی که حال تفکر و تبحر دست و پدالی
 چشمه بیانه الاعلی اول شب مجمع زمان و اطفال فقر تشریف بردند ابتدا نطقی

دستنی آنها و تربیت اطفال مسروند و چنان نطق مبارک سبب تبسم و سرورشان شد
 که حال پروراز یافتند بعد در دو صف دور میزها گردش میبودند و با اخلاقی رحمانی
 و عنایتی ربانی اطفال را می بوسیدند و نوازش میفرمودند و بیک یک عیدی
 عنایت می کردند و چون آن جنابیت چنین شفقت و مرحمتی دیدند چنان فلبط و منجذب
 گشتند که همه هم آواز شده شعری که در خصوص ظهور و جلوه خضر هدایت و راهنمایی او
 بود خواندند و بلکه کمان بدعا و شنای طلعت پیمان مشغول گردیدند و همیشه در همه جا هنگام
 تشرف اطفال و فیضیابی آنها این مطلب در زبان شان بود که این خضر الهی است
 این فیض سمانی است زیرا اطفال امریکا و اروپا چنین در ذهن و خاطر دارند که آیام عید
 خضر بر اطفال ظاهر میشود و آنها را عیدی میدهد و چون حضرت مولی الوری از انجام صفت
 فرمودند از دیدن فقرا در رعایت آنها اظهار سرور نمودند و حکایتی از آیام اقامت
 در عکا فرمودند که «جمعی فقرای بسیار گرسنه من رسیدند و سؤال نمودند من آنها را
 حواله بدکان بقالی کردم که از هر قبیل خوراکی موجود داشت بانها گفتم باین دکان هجوم نمائید
 هر چه هست همه را بگیرد بخورید و ببرید مسئولیت آن با من است این بیچاره های گرسنه
 هم بعضی شنیدن این بیان فوراً ریختند دکان را غارت کردند هر چه دکان دار
 فریاد زد ناله کرد که مال برای چایید ابداً با او عشتنا کردند حتی برنج خشک خام را میخوردند
 و اشیاء را با خود میبردند شب در منزل لیدی بلا مفیلد مجلس ضیافت در ریش (هتیا جمعی از
 اعزّه را لیدی مشارالیها مخصوص دعوت نموده بود و چون یک یک در محضر انور بانهایت

ادب و خضوع مشرف و معرفی شدند انگاه نطق بلینی در خصوص اعاطه فیوضات الهیه
 دستم از موایب و کمالات ربانیه در عالم وجود فرمودند که مشاهده آن فیوضات و کمالات
 مخصوصه منوط بصیرت روحانی و ادراکات وجدانیت بعد از شام امر بتلاوت مناجات
 نمودند چون مناجات عربی خوانده شد این بیانات از لسان مبارک صادر گشت
 که در آنکه در این انجمن جمعی اهل شرف و غلبه جمع شدند یک جنبه بیخ
 اخلاقی در آنکار ندارند و لها مرتبط بیکدیگر است و ارواح جمیع مستبشر امیدوارم روز
 بروز این روابط بیشتر شود و این محبت و الفت زیادتر گردد تا این جمع سبب شوند
 که جمیع بشره قلوبشان بهم نزدیک گردد و جمیع امم با یکدیگر محبت حاصل نمایند تا عالم انسانی
 روشن شود و ظلمات تعصب و نادانی از میان بر خیزد فی الحقیقه آن محفل روحانیت
 عجیبی داشت و در نفوس آنجذاب و محبت غریبی بود علی الخصوص هنگامی که یک یک با
 نهایت تعظیم و احترام در حضور مبارک اظهار شکر و منقبت می کردند و ابراز اخلاص
 صمیمی می نمودند

روز ۱۹ محرم (۲۸ دسمبر) در مجمع صبح نطق مبارک در
 خصوص توحید ذات واجب الوجود و غیر محدود بودن فیوضات الهیه بود و آنجذاب قلوب
 و شوق و ذوق نفوس بی نهایت و هجوم طالبان و شرف متساقان بعد از مجلس در اطلاق
 مبارک پیش از روزهای دیگر بود و همچنین عصر تا وقت خواب پی در پی نفوس محرمه
 تشریف حاصل نموده با کمال خلوص و آنجذاب مرقص میشدند و بیانات مبارکه اکثر در
 مراتب توحید و ظهور نظام تفریدی بود که در هیچ زمانی بدوا در نظر مردم مرشد نمی شد

ولی بعد از مدتی کلمه الله در حقایق اشیا نافذ شد و قدرت غلبه آن بر احوال و هم
 عطیه ظاهر گشت و آن شب بیانات مفصله در خصوص فطرت و استعداد نفوس و
 لزوم تربیت و تعلیم عالم انسانی فرمودند و با نهایت خشکی شام کمی میل فرموده استراحت
 نمودند روز ۲ محرم (۲۹ دسمبر) قبل از مجمع عمومی بعضی از وقایع نگاران
 جرائد و راجهائی محترم (شهراده) هند بساحت انور شرف و از جمله خطاب های مبارک که
 با آنها بیان تواریخ و تعالیم ظهور عظیم بود و بعد از آن شرحی در خصوص اختلافات آراء
 نفوس فرمودند که در این اختلاف برد و قسم است قسمی خلاف اصلی و خلقی است و آن
 مانع ظهور اتحاد و الفت عمومی نیست بلکه ممد است مثل خلاف لوان و قسام گلهای گلشن
 گلستان که سبب از دیاد جلوه و زینت آنهاست و یا مانند اعضاء مختلفه بیکل انسان
 که جمیع تمدن ها بیکدیگر و سبب ظهور و بروز کمالات یکدیگرند و چون جمیع درخت نفوذ یک قوه
 روحانیه در آینه اختلاف اعضاء و جوارح را حکمی نماید و یکی تکوین را بد قسمی دیگر
 اختلافات عرضیه است که سبب عدم تربیت مایه چهل و جناست و سبب ظلم و عداوت
 و بغضا و عنق جنگ و جدال هم دنیا اینگونه اختلاف را باید زایل نمود تا بقوه مصویه
 احوال و اعم مختلفه در ظل کلمه وحده در آیند الی آخر باینه الاحلی چون بیانات
 مبارک را ثبت و ضبط نموده مرخص گشتند آنوقت مجمع بیرون شد شریف فرمادند و از
 آنجا باعتدال هوای آنروز صحبت فرمودند که با وجود رنستان در لندن چنین هوایی
 خیلی نادر است باین مناسبت نطق مبارک در خصوص زوال ابر و دغان و امام درویشی

و صفای قلوب با شراق و سطوع شمس حقیقت بود و مجمع عصر در منزل امته الله سس گیل
 و محفل شب در گلبای دو کینگزوی هموسن با نهایت شور و انجذاب قلوب منعقد و محبت
 از سایز محافل بیشتر بود و نطق کشیش گلبا در مستر فی طلعت انور عبدالبها زیاد تر سب بیان
 نفوس گردید و پس از نطق کشیش و ثنا خوانی او از خطابه مبارکه در مراتب اتحاد و محبت و
 بسط مسائل روحانیه و شرح تعالیم الهیه انجذابات روحانیه قلوب بدرجه ثی رسید که
 در ختم مجلس جمیع پروانه وار طائف حول مبارک بودند و مسائل تائیدات و برکات و عاقبت
 روز ۱۱ محرم (۳۰ دسمبر) صبح در مجمع موضوع نطق مبارک این بود

که هر امری در عالم وجود مرکزی دارد و مرکز الفت عمومی و تربیت نفوس نهسانی و اخلاق
 روحانی مطا هر مقدسه الهیه اند که بدون ششون ملکیه و قوا و ظاهره تعالیم شان نافذ و قلوب
 بوده و پس از بسط مضامین و شرح مطالب چون بیان مبارک بانتهی رسید اکثر نفوس
 رجا ی شرف مخصوص می نمودند و علاوه از آن جمعیت آتش متفعل آمد و شد و شرفیابی
 اشخاص محترم بود مگر قبل از نا مار که تا باغ پیاده برای تبدیل حال و رفع خشکی شریف برده
 بعد از نا مار هم چند دقیقه بجهت تمدد اعصاب استراحت فرمودند باقی اوقات دائمانا
 مبارک بشرح مسائل الهیه ناطق و بکل اظهر بنوارش و تشویق و ترغیب نفوس در کمالات
 نهانی و شرفیات الهیه مشغول و آن شب در منزل امته الله سس رهنس محفل مهانه
 نوزده روزه قبا و از خطابه مبارکه در محبت و روابط قلوب بظهور مطا هر حسدیه و بیان
 تعالیم الهیه جمیع اهل مجلس بچوش و خروش آمدند و همد بشارت و پیام سرور گشتند

و جمیت آنقدر بود که اکثر تادم در ایستاده بودند

روز ۲۲ محرم (۲۱ دسمبر)

پس از اوراد و اذکار و شرف جمعی از اجاب و اخبار عزم دارالفنون کسفر فرمودند
و آن مدرس از کلیه ای مقبره مشهور است از لندن چون مرکب مبارک حرکت نمود پس از
دو ساعت بانجا نزول اجلال فرمودند و از ایستگاه راه آهن کیس بر منزل پرفسری از
فلاسفه و مؤلفین مشهور انگلستان شریف بردند زیرا پرفسرد کور در حالت بیماری اهلای
بمرض فلج چون بعضی رسائل و کتب را در خصوص سفر مبارک میخواند و از تعالیم الهیه مطلع شد
اقبال می نماید و شرح حال را حضور مبارک بامریکامی فرستد و از وجود مبارک و عد
خواهی می کند و از روی شرف بقای انور می نماید آن بود که پس از شریف فرامی مبارک
بندن تدارک مجلس مخصوصی در دارالفنون کسفر نمود و وجود اقدس را دعوت کرد پس از
درو و اول پرفسرد کور را دیدن فرمودند و با کمال عنایت با ایشان بصحبت مشغول شدند
و او هم مضامینی را که با حالت بیماری در خصوص امر مبارک مشغول بنوشتن بود ارائه می نمود
و نظر انور می رسانید و در آن حالت شدت ایمان و اطمینان خویش را اظهار می کرد چنان حال
توجه و اقبالش در محضر انور مقبول و چندان موثر افتاد که مکرر سر و صورت او را می بوسیدند
و دست مبارک را بروی و مویش می کشیدند تا آنرا در منزل پرفسری بل فرمودند
سر نیز خود ایشان و عرضشان با جمعی از دوستان لندن و کسفر و خدمت ام حضور در محضر
اظهر شرف بودند عصر پس از آنکه چای تناول فرمودند و تا توپیل مخصوص حاضر بعضی
دوستان و قلمزین رکاب مبارک بدارالفنون شریف بردند و صین نزول تسدوم ظهر

چند نفر از رؤسا که دم در غنچه ورود و مبارک بودند با نهایت تعظیم و کرم خوش آمد گفتند
 و رئیس بازدی سگی اقدس را گرفته یکی از مالارهای بزرگ دارالفنون برد بانکه ایام
 تعطیل بود و موسم زمستان معهد آن مالار ملو از جمیت بود و از سرار یک در محضر انور
 معرفی شدند اغلب پر و فرمای دارالفنون و ستیهای کسفر و اشخاص محترم و نگلند
 بودند با وجود این صین ورود مبارک جمیع برخاستند چون اشاره جلوس همه غایت شد
 رئیس ایستاده شرحی از تاریخ و تعالیم امر الله و بلا یای چهل ساله سخن عکا و بشارات اشعیا
 در باره این عصر اعظم اعلی و عزت بنی اسرائیل در دور مرکز عهد الله در مصر با کمال وقت و
 رقت بیان نموده از قبل کل نهایت شکر از پر فرستی کرد که ایشان سبب انعقاد چنین مجلسی شد
 و از علو قدر و مقام پر و فرستاد کور بیانیاتی مشروح نموده طلعت پیمان را بنهایت احترام معرفی
 کرد و چون قامت زیبا قیام فرمود فوراً همه دست زدند و آغاز شادمانی کردند پس خطابه بی
 مفصل در قدر مقام علم و فضائل این عصر اقدم و تعالیم ظهور عظیم غلبه قوه ماوراء الطبیعه بر این
 و قوا و طبیعت از لسان مبارک صادر و معانی و اسرار علوتی چون غیث ما ظل از سما
 فضل نازل بسیار حصار بشوق و شور آمدند بیانات مبارکه را بکوشش و هوش می شنیدند
 و از وقایع عبارات و حقایق مسائل فیض و لذت وافر می بردند و بعد از ختم خطابه مبارکه
 و ولوله و طبله نفوس باز رئیس برخاسته از اول مفید تر و مؤثر تر حکایت از صبر مبارک
 و بهمت تعالیم بدیهه نمود و بدعای طلعت انور و صون صحت و سرور مبارک و طلب
 نایید اهل بیام مشغول شد تا آنکه رو بخصار نموده گفت هر کس هر سوالی دارد از حضور

حضرت عبدالبهاء مجاز است که سؤال کند و جواب بشنود. جمیع اظهار شایسته و نکر و شایسته نمودند و از استماع خطابه مبارکه شاکر و قانع بودند. بعد از این مجلس استدعای ختم مصلحتاً با افسوس اظهار کرد پس از صد و سی مناجات و رقت قلب و خضوع نفوس چون بمنزل پرفسری مراجعت فرمودند جمعی از رؤسا و پرفسرها در اینجا باز مشرف شدند و مکرراً اظهار خلوص و خضوع می کردند و اظهار اهمیت امر مبارک و تعالیم الهیه می نمودند تا جمیعت زیاد شد و مجلسی مجمل تشکیل یافت و لسان اظهر در وحدت اصول ادیان و تبدیل فروعاً حکام باقتضای وقت و زمان و مسائل اقتصادی و امثال آن اطلاق بشایسته جمیع آن نفوس محترمه طلب تایید در ترویج این تعالیم مبارکه میکردند و آرزوی خدمت این امر عظیم داشتند بآنکه تا وقت از کیفیت امر مبارک چنانچه باید مطلع نبودند مختصر چون از کسفر و بلندن مراجعت فرمودند شب بشکر تائیدات جمال الهی و نصرت اقی علی لسان گشودند که الحمد لله بعد دهون ملکوت الهی در چنین ملکوتی نعمات قدس منتشر است و کلمه اشده می قلوب و ارواح و چون کفر و فسر چینی از لسان و قلم اظهر جاری شده و یکی از اجله نفوس و مشاهیر ملت انگلیز است لهذا در اینجا از شمار مفضلانی که در این امر عظیم نوشته یک مقاله ای درج میشود تا نمونه ای باشد از عظمت امر اشده و قدرت عهد جمال الهی و صورت آن است ترجمه مقاله پرفسری معلم دار الفنون کسفر و ۹ ژانویه ۱۹۱۳ در هر یده کرچن کامن ولث درج شده و مخصوص اتحاد ادیان آیا ممکن است روزی اتحاد ادیان تحقق رسد؟ تمیسه را بسیاری سؤال مینماید در جواب جمعیتی که روز بروز عدویشان در تراید است میگویند

دینی (کمال سهولت ممکن است زیرا امروز عقلاً اتحاد ادیان موجود است دین مسئله
 زمینی نیست بلکه اساس آن آسمانی است شعبه‌ای از علم شعبه‌ایست و نه اداره سیاست
 مملکتی است بل کشف و الهام الهیت و الهام مسئله‌ای نافذ جهانگیر است اگر روشنائی محبت
 و الفت بگیریم و از احوال مل سائر مطلع شویم می بینیم که مطاهر الهیه همیشه بین آنها بوده اند
 علی الخصوص که الهام اعظم اساس ادیان عظیمه‌ای است که سبب ترقی و اتحاد مل و نخل بوده -
 هر بیلیان رجعی نیست که موسی را تفوق بر ردشت دهند و نه محمدیان راست که نبی
 خود را اعظم دانند ما اینوقت را غنیمت شمرده عیویان را نصیحت می کنیم که افکار خود را نسبت
 بادیان تغییر دهند و این مسئله بسیار بجا است زیرا حضرت عبدالبهاء رئیس امر جهانی در میان
 ما سفری نموده و ما را بر خطایا و تقالیدی که سایر ادیان را عرق کرده آگاه فرموده اند
 و ایشان کاری باین کار ندارند که کدام نبی برتر است و کدام کوچک تر ایشان تعلیم
 میدهند که هر پیغمبری را باید بر حسب زمان و مقتضای محل و مکان او شناسیم میتوان گفت
 حضرت بهاء الله و الدشان خیمه امر عظیمی را بلند نموده و تعالیمی مخصوص بجهت این قرن
 بسین تاسیس فرمودند از عظمت و جلال و صفات و خلاق شان واضح و آشکار است که
 در این عالم همیشه نفوسی بوده اند که سر مشق نیکوی اخلاق حسنه برای نوع انسان گذارده اند
 لکن در حیات معنوی بهاء الله بعضی مسائل است که متوجه در تواریخ ادیان نمی تواند
 نظر آن را بیاورد در این مقام مجال تحریر شرح حیات این پدر و پسر نیست فقط میتوانیم
 بگوئیم که وقایع نگاران جو اند بطور ثابسته در مقالات خود محبت میسمی عبدالبهاء با عالم انسانی

ظاهر نموده اند ولی محبت الهی او که نسبت بخدا دارد ستری است بین او و بهاء الله که ما
 نمیتوانیم بفهمیم حال فرصت شرح تعالیم ایشان نیست عبدالبهاء نمی فرماید من مؤسس این
 تعالیم هستم بلکه مفسر و مبین تعالیم حضرت بهاء الله تعالیمیکه موافق احتیاجات این قرن
 است و حقائق اصول ادیان موسوی مسیحی و اسلام یعنی محبت خدا و نوع انسان حضرت
 عبدالبهاء محمدی نیت این اشتباه است که بهائی فرقه از اسلام است بلکه شخص مسلمان
 مشرح الصدور میتواند بهائی باشد و همچنین موسویان و سبجیان وسیع فکر چنانچه خوانند
 جوهر و لسانی را از بحر عمان بیرون میآورند صاحبان ادیان نیز میتوانند حقایق علم و عرفان
 آئین خود را از امر بهائی اخذ نمایند امر بهائی کلیسائی نیست بلکه بر ضد تعالید و توطئات
 مذاهب دنیاست و پیروانش حقیقت جو هستند نه در تحت تسلط پاپ و رسوم ندبی مکن
 حضرت بهاء الله حضرت عبدالبهاء مسائل معضله علمیة در دعائیه و مطالب دینیة و تاریخیة
 را شرح دادند نفوسی مثل ما که حیات خود را در تخری حقیقت و آزادی صرف کرده ایم
 عقاید خود را بیدلیل تغییر نمیدیم شکی نیست که در این امر برای طالبان حقیقت اشکالات سایر
 ادیان پیدا نخواهد شد و اختلافات ندبی و امتیازات و اعتبارات شرقی و غربی را
 حکمی نخواهد ماند (پروفسر صینی) روز ۲۳ محرم (اول ماه رانویه ۱۹۱۳)

در مجمع صبح عنوان نطق مبارک این بود دو سال است در امریکا و اروپا گردش میکنم مقصود
 اعلان وحدت عالم انسانی و صلح عمومی است که حضرت بهاء الله آن را تأسیس فرموده
 الی آخر بیانہ الاصلی بعد از مجلس فینزل الله الله مس کرد پر شریف بردند در اینجا مجلس بهائی

مجلس و از هر جهت اسباب سرور و انبساط روحانی کمال بود و جمعی از اجابای شرق و غرب
 از صفای نداء اولی در آن بزم وصل لغار و اله و شهید اعلیٰ مخصوص خدام و ملازمان که
 از مشاهدۀ جمال و جلال عهد یزدانی در آن بساط در نهایت انبساط و شادمانی بودند و با کمال
 سرور و نشاط کامرانی می نمودند و شکر تأیید و نصرت ملکوت غیب ابری می گفتند تا اول شب که
 مجلس بسیار منظمی در انجمن روحانیون مخصوص خطابه مبارکه منعقد و همین درود مبارک اهل
 مجلس جمعیاً برخاستند و با نهایت احترام از ائمه الهی لایزاله خواش نطقی در معرفی طلعت
 بیان نمودند دیگر معلومت آن ائمه الهی مؤمنه در وصف و ثنای مبارک و عظمت امر الهی
 چگونه داد سخن داد و نفوس را شیفته روی و موی جمال عهد نمود چون جمیع مستعد استماع
 بیانات مبارکه شدند از نگاه سبیل اظهر قائم و در ثبوت و ترقی و علو روح و حقیقت ثانویه انسانی
 شرحی تذلل و مطالبی مفصل فرمودند همچنان در آن لیل مبارکه نفوس بسجده نغمات الهیه گفتند
 که بوصف آید تا آنکه آخر مجلس رجای مناجاتی از لسان مطهر نمودند در حالتیکه دستهای مبارک
 مرتفع بود مناجات می فرمودند و جمله بجز ترجمه می شد و بعد از ختم خطابه و مناجات چون
 با و طاق دیگر شریف بردند رؤسای انجمن بسته غای آن نمودند که یکی از خدام ایرانی مناجات
 بلسان و لحن شرقی برای حضار تلاوت نماید لهذا حسب الامر جناب میرزا محمدخان قزوینی
 در صدر مجلس با نهایت انجذاب بقرائت مناجاتی از آثار قلم ابری متوفی از آن بعد در غلب
 محفل حمیت خواش تلاوت مناجات می نمودند و از استماع لذت می برد بسیار عجیب بود
 با وجودیکه عربی نمی فهمیدند باز از شنیدن کلمات ابداع علی نهایت استرازه و انجذاب حاصل

می‌کردند و حالت روحانیت می‌جستند باری آن شب چون جمعی دوستان شرق و غرب
 دسترسدلی، برای شام در حضور مبارک دعوت نموده بود لذا بعد از مجلس بصالون بزرگی که
 برای بهانی زینت داده و انواع نعمات رنگین مهیا کرده بودند تشریف فرما شدند و صبح آن
 طعاهای گوناگون و غذای بسیار لذیذ از نباتات بود زیرا اکثر دعویین مخصوص فرماید
 محرم از خوردن گوشت و حیوانات پرهیز داشتند پس از صرف شام اول دسترسدلی که
 از مخلصین بود بر فراسته با نهایت شکرانه و افتخار تبریک عید گفت حضرت عبدالبهار ابا
 سرور شرق و پیغمبر صلح سناش نمود بعد سر ریچاره دستفلی که از سران ملت انگیز بود بر فراست
 و با کمال خضوع و تعظیم بشکر و ثنای عنایات مبارکه و تمجید و توصیف تعالیم الهیه و قوت ربانیه
 زبان کشود و شرح تأثیرات عظیمه نطق و بیان حضرت عبدالبهار در محافل و مجامع علمی پرده
 از نگاه طلعت عهده الهی قیام نمودند و اظهار سرت از نطق حضرات نموده تبریک عید و توضیح
 مسائل الهیه ناطق و جاس شدند "به دستر فلیکس موشر" که از رؤسای مجامع صلح و اتحاد بود
 و خسر منجذب کلمه الله و متوجه ملکوت الله گشته بود بر فراست چنان در ثنای امر الله و
 اوصاف مرکز عهده الله نطق نمود که باب اسرار کشود گاهی از سرور قبول کلمه الله اظهار
 رقص و طرب می‌نمود و گهی از شدت طینان و نور عرفان این امر بدیع شکر و ثنا میکرد
 و از درک فیض حضور مبارک بخود می‌بالید و معاندت نمیداد و توفیق الهی می‌گفت که بچنین
 فیضی فائز شده لذا باز حضرت مولی الوری نطقی مختصر و مفید در شکر تائیدات ملکوت ربی
 و ذکر تعالیم مسلم اعلیٰ سمیت الفت و اتحاد عالمیان فرمودند و ختم حقیق عرفان گشودند

نفوس کمال توجه و ابتهال آمده سر با پر شور و دلها غریق بحور سرور گردید و فی الحقیقه آن مجلس یکی از مجامع مهمه و آن روز و شب از ایام ولیالی مبارکه عالم بود

روز ۲۴ محرم (۲ ژانویه) چون جمعی باستماع نصح و مشفق و وصایای مبارکه مشرف شدند بجمع بیرونی تشریف فرما گردیدند و نطق مبارک در خصوص مراتب محبت و عرفان و نقطاع بود که نفوس را حالت تذکر و انقباض دست داد و بعد از مجلس هم بعضی از نفوس محترمه لندن تشریف حاصل نمودند و با نهایت تشکر و ممنونیت مرخص میشدند شکر گفت و صلوات

تمامی گفتند و شهادت بر آن میدادند که از فیض حضور بختها آمال و سرور خود رسیده اند و ثمره وجود نائل گردیده عصر محفل بسیار باشکوهی مخصوص خطاب مبارکه خانهای محترمه حقوق طلب آراسته چون حضرت مولی الوری بان مجلس نزول جلال فرمودند بنشینند

جمیت همه برخاستند و هیاهو و هیله غریبی در مجلس انداختند اول قبل از خطاب مبارکه روس سپارود، که از خانهای ناطقه خیلی مشهور انگلستان بود نطق بسیار شوخی نمود که ترجمه بعضی از عبارتش اینست "امروز پیغمبر شرقی که از راه دور آمده و پیام صلح برای ما آورده اند درین مجمع نطق خواهند نمود و از جمله تعالیم ایشان مساوات حقوق رجال و نساوست اول کیکه در ایران از روسای این امر ظاهر شد حضرت باب بود که او را شهید کردند و بسیاری از پیروانش را کشتند تا بنظیر حضرت بهار الله که اساس صلح و مساوات را تائیس فرموده رسید و از جمله کسانی که در این امر با کمال شجاعت جان دادند یکی از زنان ایران موسوم بطاهره بودند شعله نار بود و اعلان این امر نمود

و حضرت عبدالبهاء پیغمبر شرق که برای ما پیام صلح آورده فرزند و جانشین حضرت بهاء الله
 هستند و شما نباید از ایشان توقع صحبت پوشی نمائید زیرا تعالیشان حصر در روحانیت
 و اما نهایت افتخار و سرور را از شریف فرمائی ایشان باین مجمع داریم چون سبک قدس قیام
 فرموده باز دلوله و هیاهو از جمعیت برخاست و خطابه مبارکه در شرح تعالیم بدیه و تساوی
 حقوق نساء و رجال سبب هجان جمع گردید بعد از خطابه مبارکه چون لیدی بلا مفید نطقی
 مؤثر در خصوص انتشار و نفوذ پیام الهی در اقالیم عالم و صدمات و سخن سبک قدم ادا کرد از نگاه
 مستردلی در مقابل جمال بیان استاده از عکس و جلال و قدرت و کمال طلعت میثاق و تعالیم
 قلم علی و اتحاد و یگانگی احزاب و ادیان مختلفه در ظل کلمه الله نطقی بسیار بیخ نمود و ختم
 مجلس را بنا جاتی از نظم اظهار جا کرد دیگر هجوم نفوس در آن محفل خضوع و تعظیم جمعیت از حد و
 خارج روزه ۲ محرم (۳ ژانویه) علاوه از بیانات سائره خطاب

بنفوس مختلفه جناب و انغیاء در مجمع و محفل عمومی و نطق بلیغ و خطابه فصیح در خصوص توجه مغنویه
 و کمالات ماوراء الطبیعه فرمودند نطق اول در مجمع عمومی صبح منزل مبارک و ثانی شب در
 انجمن تیا سفیا مشروح مفصل بود که انقلاب و انجذابی فوق العاده در جاها انداخت بعضی که
 از شدت شوق و ذوق هر دلی در جوشش بود و از مشاهده جمال و کمال طلعت بیتال هر سری
 پر دلوله و خروش آتش بیانات مبارکه در قلوب بی نهایت مؤثر گردید و هر سانی ناخوان
 و شاکر چنانچه بعد از ختم مجلس هر نفسی در محضر اظهار غلوص و محبت صمیمی نمود و بیان اشتیاق
 و ارادت قلبی می کرد و اما نطق رئیس مجلس در معرفی وجود اظهر بسیار مفصل بود ولی بیانات

مطالب ایشان ثبت و ضبط نشد و چون از آنجا بنزل مبارک مراجعت فرمودند هر یک از آنها
 بسیار خسته بودند بدوجهتی که شام میل نموده با و طاق مبارک برای اسرحت تشریف
 بردند روز ۲۲ محرم ۱۰۴۴ زانویه چون خدام استان بشرف حضور

مشترف شدند فرمودند "دیشب هیچ خواب ز قلم خیلی خسته بودم" لذا از روز بیرون تشریف
 نیاوردند کسی بحضور مبارک مشترف نمی شد مگر بعضی از اشخاص که نهایت لزوم داشتند
 و طاق مبارک تشریف حاصل می نمودند و مکرر آن نفوس را تشویق بالفت و یگانگی با عموم
 مل عالم می نمودند و تخریص و ترغیب بر نشر آیات و بیانات ظهور عظیم می فرمودند تا ما را در
 شام را جز قدری آب گوشت بدون نان چیز دیگر میل فرمودند

روز ۲۷ محرم ۱۰۴۵ زانویه پس از اذکار و اوراد و تشریف بعضی از دوستان چون در
 بیرونی جمعیت زیاد بود تشریف فرمای آن مجمع شده فرمودند "احوال خوب نبود محض
 خاطر شما بیرون آدمم فرودام باید بادین بزرگ (اسکالند) بروم چون وعده دادم لهذا
 میروم در لندن خیلی در مجالس صحبت کردم امیدوارم بیانات من مثل تخم پاکی باشد که
 در ارضی طینه کشته میشود زیرا کلمه مبارک گفته شده حضرت مسیح مانند تخم پاک است
 ولی گاهی بعضی تخمها کنار راه میافتد و پایمال شده از میان میرود هر چند تخم پاک است
 لکن چون زمین استعدا ندارد و فاسد میشود بعضی تخمها در سنگ ریخته می شود اگر چه قدرتی
 بزرگ شده میروید و لکن بعد خشک میشود و ثمری در بد زبانه ندارد اما بعضی تخمها که در زمین
 پاک پاشیده میشود و آبیاری می گردد خوشه می کنند و خرمن میشود حال امیدوارم

لندن ارض طینه باشد یعنی قلوب نفوس پاک و فارغ باشد تا نتیجه حسنه حاصل شود
 و آن نتیجه محبت است عرفان الهی است اقامه دلائل و براین قاطعه است ترویج صلح
 عمومی و وحدت عالم انسانی است ارتباط قلوب بقوه معنویه است و فلسفه الهی این بعضی
 از نتایج آن است امید است در لندن چنین نتایج حاصل گردد اعتمادا بر خداوند است
 و توکل مابناییدات نامناهیة الهی نزد من یقین است که این تخم پاک عاقبت بروید زیرا
 بنیم در ارضی قلوب طینه کشته شده ابر رحمت الهی بر او مبارک و حرارت شمس حقیقت بر او
 میابد یقین است که میروید من فرمونها بنیم که ازین تخمهای پاک عیسی تعالیم الهیه حاصل
 شده و امیدوارم که لندن مرکز صلح و سلام شود علم وحدت عالم انسانی بلند گردد و
 سبب لغت بین بشر شود و تعصبات جاهلیه را زایل نماید تعصباتیکه سبب خلال در
 نظام عالم است یعنی تعصب بین ادیان تعصب بین جناس تعصب بین اوطان
 تعصب بین ملل و بزودی این تعصبات و تقالید پوشیده زوال یابد زیرا این تقالید
 و اوام سبب اختلاف و جدال است هیچ تعلقی با من الهی ندارد این از اساسیات بشری
 است نه اساس مظاهر رحمانی اساس ادیان الهی ازین اوام مقدس و مبتراست علی الخصوص
 درین عصر نورانی که غلبت داشته اند که این اوام بی ثمر است و مضراحت و آسایش
 عالم انسانی است این عصری است که نور محبت تابد و قلوب انعکاسات رحمانی یابد
 و بیکد گرفتار نباشد و تجلیات روحانی اعاطه نماید زیرا تجلیات الهی عالم انسانی را روشن
 و سرور ابدی دهد محبت الهیه سبب ایجاد بشر است رحمت آسمانی سبب آفرینش هر فردی

از افراد عالم‌نسانی است اجماع شده این عصر نورانی است و این قرن قسرن جهانی
از خدا خواهم که با نهم سنه او در این قرن است مؤید فرماید انهمی از روز حالت و صحت
مبارک بهتر بود شب شام را میل و رغبت تناول فرموده استراحت نمودند
روز ۲۸ محرم (عشر انویه) موبک اقدس صبح از لندن بسمت اسکاتلند حرکت نمود جمعی
از جناب‌های مشرق و غرب تا ایستگاه خط آهن در رکاب مبارک با نهایت انجذاب
و تأثر بودند از ملازمان حضور و خدام ایرانی که سائیکه در سفر اسکاتلند متزیم رکاب اقدس بودند
احبت‌سای ایران جناب میرزا احمد سهراب آقا سید اهدا الله جناب میرزا لطف‌الله و یحیی‌فانی
چون مرکب مبارک از لندن حرکت نمود صحرای سبز و قرم از نظر انوری گذشت با آنکه موسم
زمستان بود هوا صاف و آفتاب درخشان و اسباب سرور دل و جان از هر جهت مهیا
نما را در ورا و اگون خوراک سر منیر تناول فرمودند و ملازمین حضور بهم در ظل عنایت
طلبیدند و بعد از نماز اندکی استراحت نمودند طرف عصر که مرکب مبارک نزدیک دین بزرگ
میشد خدام را حضار و شروع نصیبت و گفتار فرمودند که در حال با دین بزرگ می‌رویم
در اینجا بدایت نشر نعمات الهی است باید با نهم اب و اشتعال در روحانیتی با نفوس معاش شویید
که گل شهادت و بند که ملکوتی هستید بندگان متوجه ملکوت الهی هستید قلوبی پر انوار
دارید و جانی از اسرار غیبه گلشن و گلزار در بعد حکایتی از نور علی شاه فرمودند که مطر
دولت و ملت شد و آواره غریب گشت و در عقبات نیز از تعدی علمایست کردن نتوانست
تا آنکه در بغداد بسری جاوید شتافت چند نفر از خدام او که با نهایت فقر و فلاکت بودند

از صدقات و آوارگی او بسیار متاثر گردیدند و بانهایت خلوص بیشتر ذکرش پرداختند چون
 با کمال تأثر و انجذاب بر فاسقند لهذا هر یک شهرتی تمام و عزتی کمال بین انام حاصل نمودند
 جمیع نفوس را حیران کردند حتی اکثر ذررای سلطان و علمای اسلام را دوست یگانه و مرید
 فرزانه ساختند بآنکه بر امری قائم نبودند پس آنکه بندگان آستان الهی و پاسبان ملکوت
 باقی بستیم اگر با تأثر تمام و تعلق قلب و انجذاب وجدان بر خدمت این آستان بر خیزیم
 چه خواهیم کرد؟ ساعت پنج عصر چون مرکب مبارک بادین بوردک وارد امتد الله مسکن است
 و جمعی از بزرگان در ایستگاه خط آهن حاضر و تعظیم و تبریک و ورود مبارک افتخار و سرود
 ابدی جستند امتد الله شمس و ایت از خانمهای بسیار محترم بودند و شوهرشان رئیس
 اساقفه بود و پسرشان از اعضای پارلمان چون خانم مشارالیهما در لندن حضور مبارک
 مشرف شده بی نهایت منجذب گردید و بملکوت ابی متوجه و باصرار و التماس وعده
 خواهی نمود آن بود که لدی الورد استمد عاگرد بنزل آنها نزول جلال فرمایند
 چون خیلی اصرار نمود لهذا بایک مترجم بنزل ایشان تشریف بردند و سایر خدام را بهوتی که
 نزدیک آن خانه بود فرستادند که اوقات خواب و خوراک در مهوتل بودند و جان
 دیگر همیشه در محضر اطهر شب اول جمعی از اعیان و بزرگان در تالار آن عمارت مخصوص
 تشریف حاضر پس از معرفی و اداء لوازم خضوع و استسراشان بمحضر فضل و جان نطقی
 مفصل و مخصوص تعالیم و مسائل بدیهه و کیفیت ظهور مطا هر مقدسه و احتجاجات اعم در بیان
 طلوع شمس حقیقت فرمودند چنانکه آن نفوس محترمه باهتر از آمده روح و ریگانی بی اندازه